

پژوهش‌های علمی و مطالعات علمی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد و بررسی کتاب

● واکاوی یک سرگذشت / دکتر یونس شکرخواه

سرگذشت مطبوعات ایران / سیدفرید قاسمی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۰، ۲۰۷۲ ص (۲ مجلد)، مصور.

سرگذشت مطبوعات ایران، چهل و هفتمین کتابی است که از سیدفرید قاسمی در ۳۷ سالگی اش به بازار کتاب آمده است.

من همیشه به غلط یا درست، به پرکار بودن یک نویسنده نگاه مثبتی ندارم، اما باید اعتراف کنم اثر چهل و هفتم سیدفرید قاسمی، اثری ماندگار است.

دنیای ارتباطات در ایران به ویژه محافل آکادمیک ارتباطی نسبت به ادبیات مربوط به تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران سکوت معناداری را تجربه می‌کند. کمبود واحدهای مربوط به تاریخ روزنامه‌نگاری ایران و سرد و بیروح برگزار شدن چنین واحدهایی هم به مکمل این وضعیت تبدیل شده است. علی القاعده وقتی قبیله ارتباطات ایران نسبت به آنچه پیرامون تاریخ مطبوعات ایران نوشته می‌شود، سکوت اختیار می‌کند و هیچ دغدغه‌ای هم نسبت به تبدیل دروس مربوط به آن به دروسی جذاب ندارد، هیچکس نباید انتظار ماهی گرفتن از دریاچه‌ای بدون ماهی را داشته باشد. اما کار قاسمی این پیش‌انگاری مرا در هم ریخت.

تا پیش از انتشار سرگذشت مطبوعات ایران، آنچه در این زمینه در اختیار پژوهشگران، علاقه‌مندان و دانشجویان این مقوله بود، یا در حد شناسنامه صرف مطبوعات بود یا صرفاً در

حد تک نگاری‌هایی که تصویری منقطع و مقطعی از یک تبار ریشه‌دار را به دست می‌داد، قابی کوچک با درجه‌ای کم عرض در برابر یک چشم انداز که نمی‌توانست همه زوایای پنهان را آشکار سازد.

عنوان سرگذشت مطبوعات ایران ذهن خواننده را معطوف تاریخ می‌سازد، اما بیتوته‌ای مختصر در آن، به تو می‌گوید با دائره‌المعارف سر و کار داری نه تاریخ و بیتوته‌ای بیشتر به تو می‌فهماند اینجا بوی نفتالین نمی‌آید، بویی که از بیشتر کتابهای تاریخی استشمام می‌شود. کتابهایی که صرفاً «در زمانی» هستند بدون پیوند با «هم زمانی» و «همه زمانی»، اما کتاب سرگذشت مطبوعات ایران برای نخستین بار از کل ساختار مطبوعاتی ایران در سرآغاز روزنامه‌نگاری، ایرانی‌ها تصویری همه جانبه به دست می‌دهد. این کتاب، کتاب شکل و محتوای تاریخچه مطبوعات ایران است و این یک غنیمت است:

کتاب شکل:

اطلاعات ما پیرامون منابع خبری، خبر، گزارش، گفت و گو، مقاله، نقد، تفسیر و تحلیل، پاورقی، شعر، نامه‌ها، سرگرمی و... تا پیش از انتشار سرگذشت مطبوعات ایران چقدر بود؟ آیا می‌دانستیم پیشینیان ما از کدام ژانرها و از چه وقت و تا چه حد از این ژانرهای متفاوت استفاده می‌کرده‌اند؟ این کتاب به ما پاسخ می‌دهد.

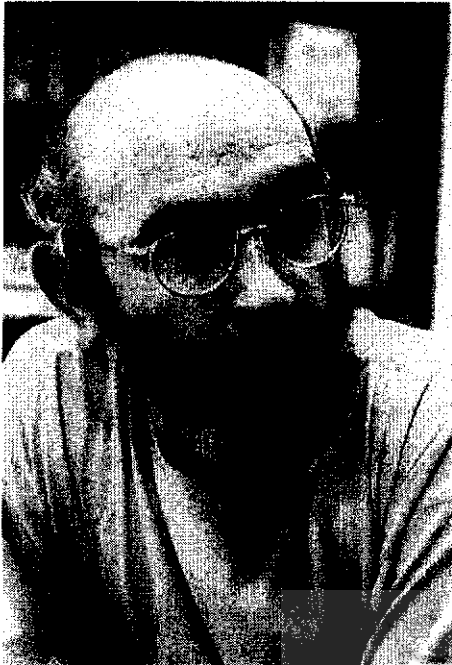
کتاب محتوا

چه کسی می‌دانست نخستین مطلب سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، هنری، ورزشی، مذهبی، طنز، ادبی و... در مطبوعات ایران در چه تاریخی نوشته شده و نویسنده آن کیست؟ این کتاب دوباره به ما پاسخ می‌دهد.

علاوه بر این، شکل و محتوا به عنوان عوامل ساختاری مطبوعاتی در ساختار بزرگتر توزیع نشریات قرار داده شده‌اند. سرگذشت مطبوعات ایران چگونگی توزیع مطبوعات و عملکرد موزعان را نیز به تصویر می‌کشد.

نگاه نویسنده در حرکتی فرا ساختاری به سوی حقوق مطبوعات نیز کشیده می‌شود. از دوران مشروطه به این سو سخن‌ها و منابع محدودی به چشم می‌خورد ولی اینجا ذیل بحث حقوق با پنج زیر مجموعه قانون، آزادی، سانسور، توقیف و محاکمه‌های مطبوعاتی به اطلاعات قابل توجهی دست می‌یابیم که پیشتر در هیچ کجا نبود.

فرید قاسمی پس فرست‌های انتشار مطبوعات را نیز در نظر گرفته است. به راستی تا پیش از انتشار این کتاب چه اطلاعاتی از «مداحان، ناقدان و جنگ قلمی مطبوعاتی» در دست داشتیم؟



● دکتر بونس شکرخواه



رسانه‌های جانشین

توجه مولف به رسانه‌های جانشین در فصلی به همین نام، روایت یک نگاه درونی به مطبوعات است، روایتی که برای برخی از امروزی‌ها، روایتی آشناست. اگر رسانه‌ای به درستی به وظایف خود عمل نکند و با کارکردهای خود بیگانه باشد، جای خود را به دیگری خواهد داد. اما چند تن از ما می‌دانستیم، عمر این جانشینی با عمر مطبوعات ایران برابر است؟

نه فقط نامداران

اگر چه زندگی نامه برخی از روزنامه‌نگاران مدون شده است، اما در سرگذشت مطبوعات ایران موضوع از حد نامداران عرصه مطبوعات فراتر می‌رود و بر چهره گمنامان نیز در سرآغاز روزنامه‌نگاری ایران نور انداخته می‌شود.

سایر ارجاعات

علاقه مندان به تاریخ مطبوعات در این کتاب؛ اصطلاحات روزنامه‌نگاری در آن دوران و معادل‌های امروزی آن، سال نگار رویدادهای مطبوعاتی از آغاز تا ۱۳۱۳ ق، مطبوعات جهان در سرآغاز روزنامه‌نگاری در ایران و با گزیده مقاله‌های مربوط به مطبوعات و روزنامه‌نگاری نیز

مواجه می‌شوند که همه آنها به توان ارجاع دهی محققان در تحقیقات آتی خواهد افزود. به نظر من سرگذشت مطبوعات ایران حق ۶۱ سال اول روزنامه‌نگاری ایران را از جنبه به تصویر کشاندن آنچه رفته است، به جا آورده است.

من نه به عنوان نویسنده این سطور، بلکه به عنوان یک دوست قاسمی، دلم می‌خواهد او از این پس به جای پراکنده کاری، همین کار را به فرجام برساند، و همین امر، وظیفه‌ای است که قطعاً دشوار است. من تردیدی ندارم آنچه قاسمی در سرگذشت مطبوعات ایران آورده، علی القاعده کاری است که یک نهاد پژوهشی باید متقبل آن می‌شد، اما قاسمی این مأموریت نهادی را یک تنه انجام داده و همین امر سبب می‌شود که از او بخواهیم بقیه راه را هم طی کند، البته توصیه من تعقیب جمعی این پروژه است، قطعاً بسیاری از دانشجویان علاقه دارند تا در یک فرایند عینی پژوهشی قرار گیرند و شاید دیگر لازم نباشد قاسمی پنج سال دیگر خانه‌نشینی کند تا دو جلد دیگر تحویل دهد و این در صورتی است که سلامت جسمانی‌اش به مخاطره نیفتد، چیزی که برای فردی که هنوز بیمه هم نیست، دشواری‌زا خواهد بود.

سرگذشت مطبوعات ایران در عین حال در لا به لای سطور بی‌پایان خود داستان پنهان دیگری را جا به جا می‌کند: اگر یک روزنامه‌نگار به سراغ تاریخ روزنامه‌نگاری برود و به ویژه آنکه با پیش دآوری هم بیگانه باشد، اثر خوبی از آب در خواهد آمد، یک پای قاسمی در مطبوعات بوده و پای دیگرش در تاریخ و همین امر کار او را به شدت با ژانرهای مشابه متمایز می‌کند.

منتشر شد:

لندی

ترانک‌های مردمی پشتو

گزینش و ترجمه محمد آصف فکرت